

## نقدی بر مقاله

# «بازخوانی فرمانی منحصر به فرد از عهد قاجاریه (۱۲۳۹ق./۱۸۲۳م.)»

عمادالدین شیخ الحکامی\*  
emad\_hokamaii@yahoo.com

مؤلف محترم، این سند را، «یکی از مهم‌ترین فرامین تاریخ قاجار و شاید سندی کم نظیر از شاهان ایران» دانسته و صادرکننده فرمان را، فتحعلی شاه قاجار تشخیص داده‌اند. ظاهراً وجود مهری با نام فتحعلی در پشت سند، باعث شده است تا برخی از نکات واضح و روشن سند، از منظر ایشان دور بماند!

بیت ذکر شده در مهر اصلی پیشانی سند، بوضوح مهر را «نشان خاتم سلطان دین ابوالحسن» می‌شناساند. اما نویسنده محترم مقاله، با تصور آنکه ابوالحسن تنها کنیه حضرت علی (ع) است، شرحی مفصل و دور از ذهن برای توجیه و تفسیر این بیت آورده‌اند.

این مهر، از مهرهای مشهور آستان قدس رضوی است که از قدیم‌الایام، اثر آن را به عنوان برات، زائران آن حضرت خریداری می‌کرده و تبرکاً یا به عنوان سوغات و تأیید زیارت آن حضرت، به موطن خود

\* - کارشناس ارشد کتیبه‌ها و اسناد دوره اسلامی مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

می‌برده‌اند.<sup>۲</sup> و نیز تصویری از اثر این مهر را، کریم‌زاده تبریزی در مقاله خویش آورده و درباره مضمون سند، نوشته است:

«مهر مقدس روضه متبرکه است که در سال ۱۲۴۷ [ق./۱۸۳۱م. / ۱۲۱۰ش.] به نام حسنعلی خان که به خادم کشیک رابع روضه متبرکه سرافراز گشته است.»<sup>۳</sup>

سراینده بیت «گلی که یک ورقش ...» - که در مقاله، محتملاً از نشاط اصفهانی دانسته و سپس ناشناس معرفی شده است - بابا فغانی شیرازی، از شاعران صاحب دیوان عصر صفوی و متوفای ۹۲۵ق./۱۵۱۹م. / ۸۹۸ش. است. این بیت نیز، اولین بیت از قصیده معروف او در مدح سلطان خراسان، ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) است. سهیلی خوانساری، در مقدمه دیوان او، به نقل از «ریاض العارفین» - ارجاع ایشان نادرست است - نوشته است:

«... گویند که چون محرم حرم حضرت امام همام گردیده، قصیده‌ای در منقبت به سلک نظم کشید و کارگزاران سرکار امامتدار، در فکر سجعی به جهت مهر آثار - که در نوشتجات و ارقام، ضرور و در کار بود - بودند. شب یکی از اهل صفا و متولیان روضه رضا - علیه التحیه و الثناء - در واقعه‌ای به خدمت حضرت فیض یاب شد. حضرت فرمودند که: صباح به خارج شهر روید که پیاده‌ای ژولیده، با سر و پای برهنه می‌آید و قصیده‌ای در مدح ما گفته که مطلع آن، جهت سجع مهر مبارک مناسب است. حسب الامر، علی الصباح به استقبال رفته، بابا را دیدند و شناختند و به عنایت بی‌غایت حضرت نواختند. داخل شهر شده، مطلع قصیده او را، سجع مهر مبارک کردند. عارف شیرازی گوید: بالفعل (سنه ۱۰۸۷ق./۱۶۷۶م. / ۱۰۵۵ش.) - که سال تألیف «لطایف الخیال» است -

این بیت نقش خاتمی است که در آن آستان ملائک پاسبان، زیارتنامه‌های زوار به آن مزین می‌گردد و آن مطلع، و منتخبی از قصیده مزبور، این است:

گلی که یک ورقش، آبروی نه چمن است  
نشان خاتم سلطان دین، ابوالحسن است  
علی موسی جعفر که مهر خاتم او  
ستاره شرف و آفتاب انجمن است  
به نقش خاتم او، صد هزار جوهر جان  
اگر نثار نمائی، به جای خویشتن است  
در آن صحیفه که طغرای او کنند رقم  
چه جای لاله نعمان و برگ نسترن است  
گلی است جلوه‌گر از بوستان دولت و دین  
که نوشکفته به روی بنفشه و سمن است  
نشانه ید بیضاست کز بیاض شرف  
چو ماه بدر، در آفاق روشنی فکن است  
برای مهر عقیق سخنورت، ما را  
سفینه از رقم خون دیده، موجزن است  
متاع نظم فغانی که یافت مهر قبول  
سواد خامه او، مهر خاتم سخن است<sup>۴</sup>  
نویسنده محترم، عبارت صریح ابتدای سند یعنی «حکم خافقین مطاع ثقلین مطیع از مصدر (یعنی صادرکننده) امامت عظاما و خلافت کبرا صادر و به عز نفاذ مقرون می‌گردد» و نیز عبارات «مقبول درگاه فیض مظاهر» و «حکم وحی آثار» و «سرکار فیض آثار» و «خدام روضه سعادت آثار» و «حافظین مرقد مطهر» و حتی اختصاص یافتن مقرری از «موقوفات سرکار فیض آثار» را، بکلی نادیده گرفته و باتوجه به وجود تعداد بسیاری از اسناد شبه دیوانی صادره از آستان قدس در سازمان اسناد و کتابخانه ملی، حتی در حد احتمال، موضوع ارتباط این سند را با مشهد رضوی مطرح نفرموده‌اند.<sup>۵</sup>

علاوه بر موارد یاد شده، در بخش میانی مهر - که بدرستی خوانده نشده است - می‌خوانیم:

«نسلک یا الله / بمحمد سید الانبیا و ... / ان تصلی علیهم اجمعین و تقبل زیارة مولانا / الرضا و من زاره - علیه السلام - آمین!»

نویسنده محترم، در جای دیگر نوشته‌اند: «اگر فرمانی فاقد این دو (مهر و طغرا) بود، اهمیت چندانی نداشته و بیش تر به سواد فرمان شبیه بوده است ... نه تنها قابلیت اجرا نداشته، بلکه در زمان ما نیز سندیت پژوهشی آن ... کاهش می‌یابد ... پس نتیجه می‌گیریم مجموع مهرهای به کار رفته در فرمان، طغرائی ترکیبی و مهرگونه است که تمامی معیارهای مهرشناسی و طغراکشی را تغییر [داده] و متحول ساخته است.» (ص ۱۷، بند آخر)

برخلاف آنچه بیان شده است، همه اسناد دوره قاجار، دارای طغرا نمی‌باشد - که البته دلایل خاص خود را دارد<sup>۶</sup> - و به هیچ‌وجه نمی‌توان با استدلال بیان شده، مجموعه مهرهای صدر سند را طغرا نامید. این، سخنی بی‌اساس و سخت نادرست است.

اگرچه این سند با دیگر اسناد صادره از آستانه، از حیث کاربرد مهر و طغرا تفاوتی دارد، اما با مقایسه ساده اسناد صادر شده از آستانه، می‌توان دریافت که قاعده‌ای ثابت برای استفاده از مهر و طغرا وجود نداشته است و حتی در مدت یک سال، از دو نمونه مهر متفاوت استفاده شده است؛ و نیز در برخی از اسناد، تنها از مهر و در برخی مهر همراه با طغرا، و آن هم چند طغرای متفاوت به کار گرفته شده است.<sup>۷</sup>

متأسفانه در مقاله منتشر شده، تصویری از پشت سند چاپ نشده است و تنها به ذکر این نکته بسنده شده است که مهر مربعی با سجع «السلطان فتحعلی [قاجار]» در پشت سند دیده می‌شود و نیز تأکید شده است که

می‌توانسته در این منصب تشریفاتی حضور داشته باشد و مقرری قابل توجهی به حساب او واریز شود و نه در معانی ذکر شده در مقاله.

در پایان، این چند نکته نیز در مورد مقاله، درخور یادآوری است:

مقایسه‌ای هم که درباب ذکر نام ائمه در مهر با نمونه‌های صفوی شده است (ص ۱۶، ستون ۲)، قیاسی نادرست می‌نماید؛ چرا که در نمونه‌های آورده شده، ذکر نام ائمه در کنار نام صاحب مهر است و در نمونه حاضر، هیچ نامی در متن مهرهای اطراف مهر اصلی دیده نمی‌شود.

طرح موضوع انتساب انشا و خط متن سند به میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی، حتی بدون توجه به موارد یاد شده، و باتوجه به تفاوت خطوط اسناد صادر شده در زمان فتحعلی شاه، بحثی غیر کارشناسانه است.

در عنوان و نیز در متن مقاله، ذکر شده است که سند، مزین به نام چهارده معصوم است. اما پاسخی به این سؤال داده نشده است که چرا در مهرهای بالای سند، مهر مستقلی برای امام سجاد و امام صادق (ع) آورده نشده است.

در متن چاپ شده فرمان نیز - که بدون رعایت سطر بندی متن اصلی بازنویس شده است - این موارد نادرست تایپ شده است:

۱- کلمه «حکم» در جمله حکم خافقین مطاع افتاده است؛

۲- غره ماضیه، بی‌معنا و غره ناصیه درست است؛

۳- علامت (؛) پس از کلمه «دانسته» باید گذاشته شود و نه پیش از آن؛

۴- «نقدا جنس»، باید «نقد و جنس» باشد.

در میان مهرهای فتحعلی شاه قاجار، هیچ مهر مشابهی دیده نشده است. یادآور می‌شوم که کلمه پایانی متن مهر پشت سند - که مربع شکل هم نیست و به شکل تاج مهر است - به تشخیص ایشان قاجار خوانده شده و درست به نظر نمی‌رسد. به زعم من، می‌توان متن را چنین خواند:

### «سلطان دین رضا، فتحعلی».

و صد البته باتوجه به اینکه متولی رسمی آستانه در آن زمان، فتحعلی خان کوتول (کتول) بوده که از سال ۱۲۰۵ق. / ۱۷۹۰م. / ۱۱۶۸ش. تا سال ۱۲۴۸ق. / ۱۸۳۲م. / ۱۲۱۱ش. عهده‌دار سمت نیابت تولیت آستانه مقدسه بوده است،<sup>۸</sup> می‌توانیم به جرئت این مهر را از او بدانیم و نه از شاه قاجار.<sup>۹</sup>

نویسنده محترم، درباره وجود عدد ۱۱۰۵ق. (سال جلوس شاه سلطان حسین صفوی) در مهر اصلی بالای سند، توجیهاتی آورده و در پاورقی متواضعانه اظهار داشته‌اند که این موضوع، برداشتی شخصی است و شاید برابری عدد با جلوس شاه سلطان حسین اتفاقی باشد! اما باتوجه به نکته یاد شده درباب شاعر آن (بابا فغانی) و وجود مهری با همین ویژگیها در سال ۱۰۸۷ق.، تاریخ ذکر شده، مسلماً اشاره به بازسازی این مهر در زمان جلوس سلطان حسین صفوی دارد. استفاده از مهرهای کهن در این گونه شبه فرمانها نیز، ظاهراً امری رایج بوده است و کهن‌ترین نمونه آن، سند مورخ ۸۲۵ق. صادر شده از بقعه شیخ ابواسحاق کازرونی با مهر مورخ ۷۵۷ق. است.<sup>۱۰</sup> در مهرهای دیگر آستانه نیز، این تفاوت تاریخ دیده می‌شود.

منصب سرکشیکچی باشی سرکار فیض آثار - که اشاره صریحی به آستانه رضوی است - از قدیم‌الایام، یکی از مناصب تشریفاتی آستان قدس بوده و بدیهی است سلطان احمد میرزای تازه به دنیا آمده، تنها

## پی‌نوشتها:

- ۱- برای رویت اصل مقاله ر.ک: *گنجینه اسناد*، سال چهاردهم، دفتر سوم، (پائیز ۱۳۸۳)، شماره ۵۵، صص ۱۶-۲۶.
- ۲- نمونه‌ای از این براتها، با اثر همین مهر، در مجموعه شخصی اینجانب موجود است.
- ۳- محمدعلی کریم زاده تبریزی، حکاکان و نگین تراشان، *هنر و مردم*، دوره ۱۶، شماره‌های ۱۸۹ و ۱۹۰ (تیر و مرداد ۱۳۵۷)، صص ۳۸-۴۴.
- ۴- بابا فغانی شیرازی، *دیوان اشعار بابا فغانی شیرازی*، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری (تهران: کتابخانه علمیة اسلامیه، ۱۳۱۶)، صص ۱۲-۱۳.
- ۵- البته صدور اسناد شبه دیوانی در برخی از مراکز مقدس، پیشینه‌ای دراز دارد و منحصر به آستان قدس رضوی نیست. اینجانب، با گردآوری نمونه‌هایی از این اسناد، در حال تدوین مقاله‌ای با عنوان «مراکز صدور احکام شبه دیوانی» هستم.
- ۶- برای فرامین بدون طغرا، بنگرید به: سید حسن شهرستانی *جلوه های هنر ایرانی در اسناد ملی*، (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۱)، صص ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۴۱، ۱۵۶، ۱۶۲، ۱۸۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۰ و ۲۲۱.
- ۷- *همان*، صص ۶۷، ۱۵۲، ۱۶۰، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۹۲، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۲۶ و ۲۲۷.
- ۸- بنگرید به: علی مؤتمن، *راهنمای آستان قدس رضوی* (مشهد: آستان قدس، ۱۳۴۸)، ص ۲۳۰.
- ۹- اگر حتی بر انتساب این مهر به فتحعلی شاه قاجار نیز اصرار بورزیم، با توجه به مطالب یاد شده، بازهم نمی‌توانیم سند را فرمانی حکومتی از سوی او بدانیم، بلکه بنا به سنت آستانه مقدسه - چنانکه در پشت اکثر اسناد صادر شده از آستانه، مهر نایب التولیه دیده می‌شود - شخص فتحعلی شاه در اینجا در مقام متولی آستانه
- است و نه شاه مملکت و صادرکننده سند حکومتی.
- ۱۰- شهرستانی، *پیشین*، ص ۱۹؛ متأسفانه توضیح ذکر شده درباره مضمون سند، نادرست است. این سند را، پیش‌تر استاد ارجمند، ایرج افشار به چاپ رسانده است. بنگرید به ضمیمه کتاب *فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه*، تألیف محمود بن عثمان، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۹.